

**وزارت فرهنگ و آموزش عالی**  
**پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**  
**پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد**

**موضوع:**

**تصحیح سه اصل نخست از فصل دوم تذکره خیرالبیان  
تألیف ملک شاه حسین کیانی سیستانی (۱۰۱۹ هجری قمری)**

**استاد راهنما:**

**جناب آقای دکتر تقی پورنامداریان**

**استاد مشاور:**

**جناب آقای دکتر ابوالقاسم رادفر**

**تصحیح و تعلیقات:**

**عبدالعلی اویسی کهخا**

**مهرماه ۱۳۷۶**

---

---

## فهرست مطالب

- ۱- چکیده ..... الف
- ۲- مقدمه ..... ب
- ۳- سرآغاز ..... ب
- ۴- سرگذشت ..... ث
- ۵- سیر اجمالی تذکره نویسی در ایران ..... ۸
- ۶- معرفی تذکره خیر البیان ..... ۱۲
- ۷- فصل دوم ..... ۱۴
- ۸- اصل اول ..... ۱۲
- ۹- بابافغانی ..... ۴
- ۱۰- مولانا اهلی شیرازی ..... ۱۱
- ۱۱- بابا نصیبی ..... ۱۶
- ۱۲- مولانا عبدالله هانفی ..... ۲۰
- ۱۳- مولانا مکتبی شیرازی ..... ۲۴
- ۱۴- مولانا هلالی ..... ۲۶
- ۱۵- مولانا بنایی ..... ۲۹
- ۱۶- مولانا امیدی ..... ۳۱
- ۱۷- مولانا دوست محمد حالی ..... ۳۵

---

---

۳۶	۱۸- مولانا لسانی
۳۹	۱۹- مولانا شهیدی
۴۲	۲۰- شریف تبریزی
۴۴	۲۱- مولانا مشقی بغدادی
۴۵	۲۲- مولانا هلاکی همدانی
۴۷	۲۳- اهلی خراسانی
۴۸	۲۴- مولانا ضمیری همدانی
۵۰	۲۵- قاضی عیسی
۵۱	۲۶- قاضی یحیی لاهیجی
۵۵	۲۷- مولانا ضمیری اصفهانی
۶۴	۲۸- مولانا فضولی بغدادی
۶۶	۲۹- میرزا اشرف جهان
۷۲	۳۰- میرزا قاسم جنابادی
۷۴	۳۱- شیخ زاده لاهیجی
۷۵	۳۲- مولانا غزالی مشهدی
۷۸	۳۳- مولانا عبدی گنابادی
۷۹	۳۴- قاضی احمد لاغر سیستانی
۸۲	۳۵- قاضی محمد رهی

---

---

۸۳	۳۶- قاضی عطاالله
۸۵	۳۷- قاضی عبدالله
۸۷	۳۸- قاضی جلال سیستانی
۸۸	۳۹- قاضی احمد فگاری
۹۲	۴۰- میر حضوری قمی
۹۹	۴۱- عجزی تبریزی
۱۰۰	۴۲- نثاری تبریزی
۱۰۲	۴۳- مولانا بیکسی
۱۰۴	۴۴- مولانا یتیمی
۱۰۴	۴۵- مولانا صبری روزبهانی
۱۰۹	۴۶- مولانا قاسم کاهی
۱۱۳	۴۷- سید محمد جامه باف
۱۱۵	۴۸- خواجه افضل برکه
۱۱۷	۴۹- خواجه حبیب الله برکه
۱۱۸	۵۰- مولانا سوزی
۱۱۹	۵۱- شاه صفی نوریخش
۱۲۰	۵۲- مولانا نیکی
۱۲۳	۵۳- مولانا داغی

- 
- 
- ۵۴- مولانا محمد حسین تبریزی..... ۱۲۳
- ۵۵- دیوانه مشهدی..... ۱۲۴
- ۵۶- خواجه غیاث الدین محمد فرابی..... ۱۲۵
- ۵۷- خواجه محمد مومن..... ۱۲۵
- ۵۸- محمود بیک سالم..... ۱۲۷
- ۵۹- مولانا ولی دشت بیاضی..... ۱۲۹
- ۶۰- خواجه حسین ثنایی مشهدی..... ۱۷۲
- ۶۱- مولانا میلی مشهدی..... ۱۸۶
- ۶۲- مولانا محتشم کاشی..... ۱۹۳
- ۶۳- مولانا وحشی یزدی..... ۱۹۸
- ۶۴- قاضی نورالدین اصفهانی..... ۲۰۹
- ۶۵- میرزا حسابی..... ۲۱۶
- ۶۶- میرزا تیمور منشی فراهی..... ۲۲۱
- ۶۷- مولانا عزتی..... ۲۲۱
- ۶۸- حاجی اسماعیل بخشی..... ۲۲۴
- ۶۹- قاسم بیک حالتی..... ۲۲۶
- ۷۰- یولقلی بیک انیسی..... ۲۳۱
- ۷۱- قاسم بیک قسمی کرمانی..... ۲۳۷

---

---

۲۴۰	۷۲- مولانا حزنی اصفهانی
۲۴۳	۷۳- مولانا شکیبی اصفهانی
۲۵۰	۷۴- شجاع کاشی
۲۵۲	۷۵- مولانا حیاتی گیلانی
۲۵۴	۷۶- رضایی کاشی
۲۵۶	۷۷- مولانا <sup>مختی</sup> سیستانی
۲۵۹	۷۸- مولانا عاشقی سیستانی
۲۶۴	۷۹- مولانا حاتم کاشی
۲۶۵	۸۰- میرم سیاه
۲۶۶	۸۱- محمد هاشم
۲۶۶	۸۲- قاسم خوافی
۲۶۹	۸۳- مولانا مشفق بخاری
۲۷۲	۸۴- غضنفر کاشی
۲۷۳	۸۵- مولانا قیدی شیرازی
۲۷۴	۸۶- مولانا رشکی همدانی
۲۷۶	۸۷- رشکی همدانی
۲۷۶	۸۸- مولانا غباری
۲۷۷	۸۹- سحابی نجفی

- 
- 
- ۹۰- تشبیهی کاشی ..... ۲۸۴
- ۹۱- محمد میرک صالحی ..... ۲۸۷
- ۹۲- احمد میرک صوفی ..... ۲۹۰
- ۹۳- میرخسروی در حجبی ..... ۲۹۲
- ۹۴- شاه ابوالقاسم صافی ..... ۲۹۵
- ۹۵- میرفضلی بمی ..... ۲۹۶
- ۹۶- صیقلی بروجردی ..... ۲۹۹
- ۹۷- ملک طیفور ..... ۳۰۰
- ۹۸- مردمی مشهدی ..... ۳۰۳
- ۹۹- مولانا اقدسی مشهدی ..... ۳۰۴
- ۱۰۰- عرفی تبریزی ..... ۳۰۷
- ۱۰۱- مولانا قوسی ..... ۳۰۸
- ۱۰۲- فصیحی تبریزی ..... ۳۰۹
- ۱۰۳- نادری مشهدی ..... ۳۱۰
- ۱۰۴- مولانا وحشتی کاشی ..... ۳۱۱
- ۱۰۵- ملک محمد کیانی ..... ۳۱۳
- ۱۰۶- ملک محمود جذبی ..... ۳۱۵
- ۱۰۷- میرحاجی محمد ولایی ..... ۳۱۷

- 
- 
- ۱۰۸- میرحیدر حجابی..... ۳۱۹
- ۱۰۹- میرمحمد صالح سالکی..... ۳۲۰
- ۱۱۰- مولانا صلحی..... ۳۲۱
- ۱۱۱- خان احمد بیک سخی..... ۳۲۲
- ۱۱۲- میرالهی قمی..... ۳۲۴
- ۱۱۳- شریف کاشی..... ۳۲۸
- ۱۱۴- مظفر سیستانی..... ۳۳۱
- ۱۱۵- صرفی سرایانی..... ۳۳۲
- ۱۱۶- میر مغیث محوی..... ۳۳۳
- ۱۱۷- مولانا شکوهی همدانی..... ۳۳۵
- ۱۱۸- عبدالباقی همدانی..... ۳۳۷
- ۱۱۹- موسی رضای نقاش همدانی..... ۳۳۸
- ۱۲۰- فضل جرفادقانی..... ۳۳۹
- ۱۲۱- جسمی همدانی..... ۳۴۲
- ۱۲۲- شراری همدانی..... ۳۴۳
- ۱۲۳- مولانا بیخودی..... ۳۴۵
- ۱۲۴- صرفی ساوجی..... ۳۴۶
- ۱۲۵- سگ لوند..... ۳۴۷



---

---

..... ۱۲۶- فهرست اعلام

..... ۱۲۷- فهرست منابع و مأخذ

## چکیده

دسته‌ای از منابع ادب فارسی که به بررسی و احوال و آثار گویندگان شعر فارسی اختصاص دارد، تذکره‌الشعرا و یا به اختصار تذکره نامیده می‌شود.

تذکره‌ها به دو دسته عمومی و عصری تقسیم می‌شود، در تذکره‌های عصری، مولف به معرفی شرح حال و آثار و احوال شاعران معاصر با خود می‌پردازد ولی در تذکره‌های عمومی به معرفی شرح حال و شعر شاعران از آغاز زبان فارسی تا زمان مولف و احیاناً نقد و بررسی شعر شاعران پرداخته می‌شود. تذکره خیرالبیان در مقام مقایسه با تذکره‌های عمومی قبل و بعد از خود؛ مرجع قابل اعتمادی است ولی به علت محدود بودن نسخه و خطی بودن آن تاکنون به نحو مطلوب مورد استفاده محققان قرار نگرفته است.

در این تحقیق که برای اولین بار صورت می‌گیرد، تلاش شده است که با مقابله و تصحیح نسخه‌های موجود و مراجعه به منابع مختلف، ضمن به دست دادن نسخه‌ای منقح از تذکره خیرالبیان، مراجعه علاقمندان را در استفاده از مطالب این کتاب آسانتر کند.

در این قسمت از تذکره خیرالبیان که مورد تصحیح قرار گرفته، شرح حال ۱۱۶ شاعر نوشته شده است که از آن میان بعضی از شعرا که از ناحیه سیستان برخاسته‌اند فقط در همین تذکره شرح حالی از آنها ارائه شده، و در تذکره‌های دیگر نامی از آنها نیامده است.

بدیهی است که کارهای انجام شده در خصوص بخشی از تذکره خیرالبیان است و آماده ساختن آن نیاز به وقت چندین ساله دارد.

### مقدمه

آثاری که در ادبیات فارسی از آنها به نام تذکرة الشعرا و یا به اختصار تذکره یاد می‌شود یکی از مهمترین منابع در شناخت احوال و آثار شاعران و گویندگان پیشین و سیر تطور شعر فارسی است و در این میان در تذکره‌های عمومی به صورتی کلی تر به معرفی شاعران و آثار آنان پرداخته می‌شود. مؤلفان اینگونه آثار به طور کلی، علاوه بر معرفی گویندگان عصر خود و آوردن منتخباتی از اشعار آنان، به معرفی احوال و آثار گذشتگان نیز می‌پردازند. برخی از این تذکره‌ها به علل مختلف، به صورت خطی مانده‌اند و عدم تصحیح و آماده‌سازی آنها موجب شده است که ما از اطلاعات منبیدی که ممکن است در آنها وجود داشته باشد، بی‌خبر بمانیم و در بررسی و تحلیل سیر ادبیات فارسی و آثار گذشتگان از دیدگاهی محدودتر اظهار نظر نماییم.

تذکره خیرالبیان از این نوع تذکره‌هاست که با وجود اهمیتی که برای محققان ادب فارسی داشته است تاکنون به صورت خطی مانده است. بیشترین ارزش این کتاب مربوط به فصل دوم این کتاب است که به قول مؤلف: در ایراد و اشعار متأخرین و جمعی که راقم این حروف ادراک «ملاقات ایشان نموده»<sup>(۱)</sup> می‌باشد.

در سه اصل نخست این فصل که مورد تصحیح قرار گرفته است، شرح حال تعدادی از شعرای ناحیه سیستان یافت می‌شود که در هیچ تذکره دیگری جز تذکره فوق ذکری از آنها به میان نیامده است.

نگارنده با اطلاع از دشواری کار و بضاعت اندک خود، امیدوار به فضل الهی، در صدد برآمد که در حد توان خود دست به کاری زند که نتیجه آن عرضه کردن نسخه منقحی از تذکره خیرالبیان به علاقمندان آن باشد. رسیدن به این هدف مستلزم صرف سالها وقت و راهنمایی استادان ارجمند خواهد بود. بنابراین به منظور آغاز راه بخشی از تذکره خیرالبیان را که شامل سه اصل نخست از فصل دوم تذکره است، منظور نظر خود قرار داد ان شاء الله که عاقبت به خیر شود.

## سرآغاز

خجسته بروبوم زایل که شیر همی پروراند گوان دلیر

ناحیه‌ای که مؤلف تذکره خیرالبیان از آنجا برخاسته است، سرزمینی است که هزاران سال مهد آبادانی و نعمت و توانایی و قدرت بوده است.

«سیستان یازدهمین جایی است که اهورامزدا آن را به بهترین وضعی بیافرید و پادشاه آنجا را از فره ایزدی برخوردار ساخت»<sup>(۱)</sup>

زردشت پیامبر ایران در اینجا به گشتاسب پناه برد و دین بهی او از اینجا سراسر ایران زمین را فراگرفت. رود هیرمند زندگی بخش، با شکوه تمام در این خاک جریان دارد و هامون مقدس نیز در اینجا است.

«موعود نجات‌دهنده ایرانیان از کوهی که سر از دریاچه هامون برآورده است ظهور خواهد

کرد<sup>(۱)</sup> این خاک زادگاه و محل پرورش رستم دستان است، شاهد جنگهایی چون جنگ آذربانو و آذرگشسب، دختران رستم با بهمن بوده است.

شاهان و شاهزادگانی چون هوشنگ، فریدون، سام و سیاوش را در دامان خود پرورده است. اینجا مهد داستانهای ملی ایران و میدان جنگهای پهلوانان و رادمردان ایرانی است. کدام ایرانی است که شاهنامه را بخواند و پهلوانان این سرزمین را تحسین نکند. کیست که برای مطالعه و بررسی آیین و کیش زردشت به مطالعه تاریخ و جغرافیای این سرزمین نیاز پیدانکند.

سیستانی که تا حدود کشمیر و اسفزار و کرمان و سند گسترده بود، بر اثر حملات ایلات و طوایف مختلف صحراگرد و سوء سیاست سلاطین قبلی و قهر طبیعت عظمت و قدرت دیرین خود را از دست داد و به گونه‌ای که امروز شاهد آن هستیم در آمد. امید است که با تلاش و کوشش همه‌جانبه، شاهد رونق و آبادانی گذشته این سرزمین باشیم.

### سرگذشت

ملک شاه حسین از شاهزادگان سیستان و از بازماندگان عمروبن لیث صفاری است. رشته نسب پدری او همانگونه که در احیاءالملوک آورده است به عمروبن لیث صفاری می‌رسد<sup>(۱)</sup>.

پدر ملک شاه حسین ملک غیاث‌الدین محمد و مادرش بی‌بی مریم سلطان نام داشته‌اند. ملک غیاث‌الدین در سیستان زندگی می‌کرد. در سال ۹۷۳ با بی‌بی مریم سلطان ازدواج نمود و در چهاردهم شعبان سال ۹۷۸ ملک شاه حسین پا به عرصه وجود گذاشت. پدرش او را شاه حسین نامید و بدیع‌الزمان میرزای صفوی که در این وقت در سیستان بود کلمه میرزا را نیز بر آن اضافه کرد. و شاه حسین را میرزا شاه حسین نامید. بی‌بی سلطان مادر ملک شاه حسین او را غلام حسین نامیده است.<sup>(۲)</sup>

ملک غیاث‌الدین محمد پدر ملک شاه حسین در نهم ذیحجه الحرام سال ۹۸۹ فوت نمود و مادرش تربیت او را بر عهده گرفت.<sup>(۳)</sup>

ملک شاه حسین قرائت قرآن و مقدمات را نزد مولانا عبدالمومن صلحی آموخت، مسایل نماز و واجبات را نزد شیخ کلب علی جزایری آموخت و از محضر شیخ محمد مومن نیز بهره‌ها برد.

ملک شاه حسین حدود سه سال از محضر درس امیر ضیاء‌الدین محمد سید طباطبایی

۱- احیاءالملوک، تصحیح منوچهر ستوده، ص ۳۱

۲- همان مأخذ ص ۳۲

۳- همان مأخذ ص ۳۱

زواره‌ای کسب فیض نمود و سپس با مولانا دوست محمد فتوحی شریک درس و بحث شد و نزد او مشق خط کرده مولانا فتوحی که خود طبع شعر داشت، ملک شاه حسین را نیز به سرودن شعر تشویق و ترغیب نمود<sup>(۱)</sup>.

با ورود مولانا ولی دشت بیاضی به سیستان ملک شاه حسین در نشست و برخاست با او به گفتن شعر دلیر شد.<sup>(۲)</sup>

ملک شاه حسین کار مطالعه و ملاقه در ادب فارسی را به جایی رسانیده که به مقابله دیوان انوری که یکی از مشکل‌ترین متون نظم فارسی است مشغول بوده است.

ملک شاه حسین در بیستم صفر سال ۹۹۸ در سن بیست سالگی با بی بی شاهره آغا دختر ملک ابواسحاق ملک محمد شاه ابواسحاق ازدواج نمود<sup>(۳)</sup>.

از این ازدواج صاحب دختری و پسری شد که نام پسرش را میرزا محمد مؤمن گذاشت سرانجام در سال ۱۰۲۵ بی بی شاهره آغا پس از ۲۸ سال زندگی با ملک شاه حسین درگذشت و در قصبه فراه در مزار شاه علی فراهی مدفون گردید<sup>(۴)</sup>.

شخصیت ملک شاه حسین:

ملک شاه حسین از علوم زمان خود بهره‌مند بود و در زمینه علم و ادب نیز تا به جایی که توانایی داشته، کسب علم و ادب کرده است. بسیار سفر نموده و در این سفرها، با بزرگان و رجال و اهل علم و شعرای زیادی دیدار کرده است و این امر او را فردی جهان‌نیده و با تجربه نموده است.

۱- همان مأخذ ۳۳  
۲- همان مأخذ ص ۳۴

۱- همان مأخذ ۳۳/  
۳- همان مأخذ، ۳۴

ملک شاه حسین نه تنها در زمینه علم و ادب بی‌همتا بود بلکه در میدان رزم و جنگ نیز بی‌همتا و یگانه بود، از فنون مختلف جنگ با خبر بود و با استفاده از آن فنون در دفاع از خاک سیستان توانا بود.

آثار و نوشته‌های ملک شاه حسین:

- ۱- احياء الملوك در تاريخ سيستان از دوران باستان تا تاريخ ۱۰۲۸ هجری قمری
  - ۲- کتاب مهر و وفا مثنوی است که در جواب نل و دمن شیخ فیضی گفته است و در سال ۱۰۲۸ آن را به پایان رسانده است.
  - ۳- تحفة الحرمین: که شرح مسافرت مکه او در سال ۱۰۱۷ است.
  - ۴- تذکره خیرالبیان: که در شرح احوال شعرای قبل و معاصر خود اوست این کتاب در دو فصل و یک ختم و ختم خاتمه نوشته شده است تاریخ تحریر آن ۱۰۱۹ هجری قمری است. ولی به نظر می‌رسد که تاریخ اتمام آن بعدتر از این تاریخ باشد زیرا که در ضمن شرح حالی که درباره خودش می‌نویسد از تاریخ ۱۰۳۶ نام می‌برد و یا شاید تاریخ ذکر شده سال تجدید نظر و اضافه کردن برخی از مطالب به تذکره خیرالبیان باشد.
- سال فوت ملک شاه حسین به درستی مشخص نیست فقط از تذکره خیرالبیان می‌توان دانست که او تا سال ۱۰۳۶ در قید حیات بوده است.



## سیر اجمالی تذکره نویسی در ایران

کلمه تذکره در فرهنگهای فارسی به معانی مختلف آمده است: ۱- یادآوری ۲- آنچه موجب یادآوری می شود، وسیله تذکر، یادگار ۳- یادداشت ۴- مجموعه و کتابی که در آن ترجمه شاعران و نویسندگان را گرد می آورند. ۵- گذرنامه و پاسپورت<sup>(۱)</sup>

در تمام کتب ادب فارسی که در قبل از زمان صفویه نوشته شده به جز تذکره دولتشاه سمرقندی کلمه تذکره به معنی یادگار و یادداشت و یادآوری به کار رفته است، به تدریج از اواخر دوره تیموریه و آغاز دوره صفویه به معنی کتابی در شرح حال و آثار شعرا به کار رفته است، مثل تذکره الاولیا عطار و کتاب تذکره از خواجه نصیرالدین طوسی که کلمه تذکره به معنی یادآوری و پند دادن به کار رفته است.

نخستین کتابی که در شرح حال شاعران نوشته شده و عنوان تذکره در آن به کار رفته تذکره الشعرای امیر دولتشاه سمرقندی است که به سال ۸۹۲ هجری تألیف شده است. از آن زمان تاکنون عنوان تذکره به معنی تذکره الشعرا به کار رفته مثل تذکره نصرآبادی، میخانه، روز روشن و ...

### اولین تذکره فارسی

قدیمترین کتاب تذکره لباب الالباب سدیدالدین محمد عوفی است. عوفی، خود در پایان فصل دوم مقدمه کتاب ادعا کرده که لباب الالباب اولین کتابی است که در شرح حال و

۱- فرهنگ فارسی معین ذیل تذکره، چاپ نهم، امیرکبیر، ۱۳۷۴

نمونه شعر شعرای فارسی نگارش یافته است.<sup>(۱)</sup> باید خاطر نشان ساخت که چهار مقاله نظامی عروضی که در فاصله زمانی ۵۵۱-۵۵۲ هجری تألیف شده نوعی تذکره است ولی از آنجایی که تنها یک مقاله از چهار مقاله او به شعر و شاعری اختصاص یافته و در ثانی مقصود اصلی نویسنده از نوشتن کتاب چیز دیگری بوده است، به ناچار در این مقوله قرار نمی‌گیرد.

عامل اصلی نوشتن کتب تذکره در دوره صفویه، رواج شعر در این دوره بود. شعر در این دوره نه تنها سبب تقرب به دربارها و دستگاههای امارت بود بلکه به ذات خود نیز یکی از مظاهر کمال انسانی و عامل برتری شاعر بر دیگر مردم و حتی بر اهل علم بوده است.

در این دوره در میان طبقات مختلف اجتماعی به نام عده زیادی شاعر برمی‌خوریم و حتی در این دوره «کمتر فیلسوف و عالمی دیده می‌شود که کار اصلی خود را برای مدت کوتاهی از دست نگذاشته و سمنند طبع را در میدان نظم به جولان در نیاورده باشد»<sup>(۲)</sup>

این رواج شعر، عده‌ای از صاحبان ذوق را برانگیخت تا در هر شهر و ناحیه‌ای به جستجوی شاعران برخیزند و شعر و شرح حال آنها را ثبت کنند.

در این راه کسانی مثل تقی‌الدین کاشانی و فخرالزمانی مؤلف میخانه و تقی اوحدی شهرهای ایران و هند را در زیر پا درآوردند و با شاعران در شهرهای مختلف به گفتگو نشستند و از هر طبقه‌ای که شعری سروده، در اثر خود یاد کرده‌اند که این کار آنها مرجع قابل اعتمادی شد برای نویسندگانی که بعد از آنها به نوشتن کتاب تذکره پرداخته‌اند.

## اهمیت تذکرة‌های فارسی

تذکرة‌های فارسی از چندین نظر حائز اهمیت هستند که در ذیل فهرست‌وار به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱- کتابهای تذکرة در زنده نگه‌داشتن یاد و نام و شعر بسیاری از شاعران نقش مهمی داشته است، به طوری که اگر این کتابهای تذکرة نمی‌بود، ما از نام و نمونه شعر بسیاری از شاعران بی‌اطلاع بودیم.

۲- بعضی از تذکرة‌های شعر فارسی، اشعار شعرای متقدم و متأخر را دربرمی‌گیرد مثل تذکرة خیرالبیان، با مراجعه به اینگونه تذکرة‌ها، اطلاعات مفیدی درباره سیر و تحول شعر فارسی از ابتدا تا زمان تألیف تذکرة می‌توان بدست آورد.

۳- بعضی از تذکرة‌نویسان درباره شاعران اظهار نظر کرده‌اند و نقاط ضعف و قوت شعر بعضی از شاعران را بیان کرده‌اند مثل سام میرزای صفوی که نظر خودش را درباره شعر بعضی شاعران در کتاب تحفه سامی بیان کرده است.

۴- این تذکرة‌ها شرح حال دقیقی از شعرای معاصر با نویسنده و خود نویسنده را دربرمی‌گیرد و از این جهت معتبرترین سند برای اطلاع از شرح حال شاعر معاصر با نویسنده تذکرة می‌باشد.

### معایب تذکره‌های فارسی

۱- بسیاری از تذکره‌نویسان، در نوشتن تذکره خود از تذکره‌های دیگر استفاده کرده‌اند که اصل و نسب همه تذکره‌ها به تذکره دولت‌شاه سمرقندی می‌رسد به همین جهت هر اشتباهی که در تذکره‌های قدیمی رخ داده باشد به همان گونه در تذکره بعدی نیز مسطور گشته است.

۲- بعضی از صاحبان تذکره در تعریف از شعر بعضی شاعران بی‌مایه راه مبالغه پیموده‌اند.

۳- یکی از مهمترین عیوب بعضی از تذکره‌ها این است که نام و کینه شاعر را ذکر نکرده و فقط تخلعش شعری او را نوشته‌اند، از دیگر آثار او ذکری نکرده و فقط به بیان نمونه شعر او اکتفا کرده‌اند.